

مهارت برای زندگی یا زندگی برای کسب مهارت!

مهارت‌های زندگی معلمی

دکتر لیلا سلیقه‌دار

اشاره

پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که ویژگی‌هایی هم‌چون خودآگاهی و همدلی شاخص‌های اساسی توانمندی‌ها و ضعف‌های هر انسان است. این ویژگی‌ها فرد را قادر می‌سازد که فرصت‌های زندگی‌اش را مغتنم شمرده، به خانواده و جامعه‌اش بیندیشد، نگران مشکلاتی که در اطرافش وجود دارد، باشد و به چاره‌اندیشی بپردازد. مهارت‌های زندگی به‌عنوان واسطه‌ی ارتقای چنین ویژگی‌هایی می‌تواند فرد و جامعه را در راه رسیدن به اهداف فوق کمک کند. در ادامه‌ی سخن در خصوص مهارت‌های زندگی، در این شماره دو مهارت مهم خودآگاهی و همدلی پرداخته می‌شود.

شاید در دهه‌های گذشته، به دلیل ساده‌تر بودن و پیش‌بینی‌پذیر بودن زندگی اجتماعی (کارآمدی الگوپذیری از والدین و حتی نسل‌های قبل‌تر از آن)، مهارت‌های زندگی به سادگی در طی رشد، آموخته می‌شدند و به آموزش مستقیم آن‌ها و توجه به رفتار همه‌ی افرادی که با کودک در ارتباط هستند، نیازی احساس نمی‌شد. اما امروزه توجه به مهارت‌های زندگی در تمامی افرادی که به نوعی با کودک در ارتباط هستند، به‌عنوان بخش مهم و کلیدی در جامعه‌پذیری افراد در سراسر دنیا مطرح است.

در این میان، یکی از مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین مهارت‌ها، شناخت خود است؛ یعنی توانایی و ظرفیت فرد در شناخت خویشتن و نیز شناسایی خواسته‌ها، نیازها و احساسات خویش. این مهارت از چنان اهمیتی برخوردار است که در دین مبین اسلام نیز به آن تأکید و توجه زیادی شده است. در دنیای معلمی نیز، خودآگاهی می‌تواند به توانمندی معلمی منجر شود که می‌داند چگونه از توانایی‌های خود در مناسب‌ترین حالت استفاده کند.

برای مثال، معلم آشنا به خود، نقاط قوت و ضعف خود را می‌شناسد



ومی‌داند که کدام یک از شیوه‌های تدریس را می‌تواند به خوبی و درستی اجرا کند. به همین علت، در انتخاب روش تدریس، به توانایی‌های خویش نیز توجه می‌کند تا بتواند رهبری یادگیری دانش‌آموزان را به شایستگی برعهده گیرد. بدیهی است، این خودشناسی موجب می‌شود که در سایر مراحل ارتباطی با دانش‌آموزان، مانند انتخاب رسانه‌ی آموزشی، انتخاب الگوی ارزش‌یابی و... نیز دقت کند و شرایط را متناسب با توانایی خود در نظر بگیرد.

ذکر مثال می‌تواند به روشن شدن مقصود مطلب کمک کند. چنان‌چه می‌دانید، برای تدریس هر مفهوم، راه‌های گوناگونی وجود دارد و البته برای انتخاب هر راه، شرایط متعددی تأثیرگذار هستند. حال تصور کنید که در یک کلاس، آموزگار قصد دارد مخلوط و انواع آن را از طریق شیوه‌ی بدیعه‌پردازی آموزش دهد. در این رابطه، لازم است او فاکتورهای فنی مربوطه را بررسی کند و میزان انطباق



در پاسخ باید گفت، وجود مهارت خودآگاهی در فرد، انگیزه و تحرک لازم را برای فراگیری و ساختن خود و نیز دانش‌افزایی و تلاش برای پیشرفت ایجاد می‌کند. در حالی که چنین حالتی، برای کسی که از خود و توانایی‌های خود آگاهی ندارد، به‌صورت خودجوش اتفاق نمی‌افتد. بنابراین، می‌توان امیدوار بود که دانش‌آموزان آموزگار خودآگاه نیز به تبعیت از معلم خود، تلاش بیش‌تری برای حرکت روبه‌جلو دارند.

و تناسب یادگیری این مفهوم را از طریق روش مورد نظر بسنجد. اما نکته‌ی مهم دیگر، میزان توانایی او در ارائه و به‌کارگیری این شیوه در کلاس است. این توانایی با محتوای روش مورد نظر و انتظاراتی که برای اجرای آن از معلم می‌رود، بستگی مستقیم دارد. برای مثال، در روش بدیعه‌پردازی، معلم باید از توانایی ذهنی بالایی برخوردار باشد، بتواند برای هر یک از مراحل قیاس مستقیم، شخصی و یا تعارض فشرده، مثال‌های مناسبی طرح کند، از مثال‌های دانش‌آموزان به‌درستی استقبال کند، آن‌ها را در ذهن تحلیل کند و در صورت لزوم به آن‌ها جهت دهد. در این روش، معمولاً توانایی ادبی تأثیر فراوانی بر شیوه‌ی ارائه‌ی تدریس می‌گذارد و به هوش کلامی معلم بستگی بسیاری دارد. بدیهی است، معلمی که شناخت خوب و کاملی از خود داشته باشد، پیش از هر چیز توانایی خود را در نظر می‌گیرد و در صورتی که احساس کند به‌درستی از عهده‌ی انجام این کار بر نمی‌آید، شیوه‌ی دیگری را انتخاب می‌کند.

آثار حاصل از شناخت خود در کلاس درس

حال این سؤال مطرح است که اگر بنا باشد آموزگاری پیش از اقدام به انجام کاری در کلاس درس، توانایی‌های خود را در نظر بگیرد، ممکن است انجام برخی امور در کلاس وی کنار گذاشته شود. برای مثال، در صورتی که با نحوه‌ی به‌کارگیری رایانه آشنا نباشد، از آن برای انجام امور تدریس خود استفاده نمی‌کند.





هم‌چنین، مهارت خودآگاهی موجب می‌شود که فرد به تصویر واقع‌بینانه‌ای از خود برسد. این تصویر به‌او کمک می‌کند که نقش‌های اجتماعی‌اش را نیز واقعی‌تر ببیند و لذا انتظارات امکان‌پذیری را از ایفای هر یک از مسئولیت‌هایش از خود داشته باشد. این حالت، شرایطی را فراهم می‌کند که استرس و اضطراب‌های ناشی از فشار محرک‌های بیرونی نیز کم شود. برای مثال، آموزگاری که از نقش معلمی خود تصویر روشنی دارد، می‌داند که انجام پژوهش از نوع تحقیق در عمل (اقدام‌پژوهی)، به‌مراتب بیش‌تر از تحقیق‌های دانشگاهی با کار او هم‌خوانی دارد و واجد تأثیرگذاری بالاتری است. بنابراین، هرگز انجام پژوهش دانشگاهی را، حتی به‌منظور دریافت امتیاز شغلی، اولویت مهم کاری خود قرار نمی‌دهد.

در مثالی دیگر می‌توان به تداخل نقش‌های گوناگون اشاره کرد که امروزه در زندگی معلمان بیش از دهه‌های گذشته دیده می‌شود. مانند معلمی که علاوه بر معلمی، به سایر مشاغل نیز می‌پردازد. بدیهی است، در چنین شرایطی، داشتن تصویر واقع‌بینانه از خود، به اولویت‌بندی درست وظایف و انجام بهترین کار در مناسب‌ترین زمان می‌انجامد شاید این مثال تداعی‌کننده‌ی داستان دیرآشنای زنان شاغل باشد که علاوه بر انجام وظایف شغلی خود، بنا به علت‌های گوناگون، با فشارهای ناشی از امور مربوط به خانواده نیز روبه‌رو هستند. داشتن تصویر واقع‌بینانه و روشن از خود، به این دسته از افراد کمک می‌کند تا بدون مقایسه‌ی زندگی خانوادگی خود با سایرین و تنها با تکیه بر توانمندی‌های خود، انتظارات از خود را دسته‌بندی و اولویت‌بندی کنند و بنابر اهمیت، به آن‌ها رسیدگی کنند. به‌همین علت است که چنین افرادی (در صورت بهره‌مندی از خودآگاهی)، از موفقیت‌های بیش‌تری برخوردار هستند و نتیجه‌ی تلاش آن‌ها، معمولاً فرزندان مستقل‌تر و آگاه‌تر است.

معلمی که شناخت خوب و کاملی از خود داشته باشد، پیش از هر چیز توانایی خود را در نظر می‌گیرد و در صورتی که احساس کند به‌درستی از عهده‌ی انجام این کار برنمی‌آید، شیوه‌ی دیگری را انتخاب می‌کند

معلم، از طریق همکاری دانش‌آموزان مورد تقدیر قرار گیرد. این اتفاق در صورتی پیش می‌آید که آموزگار شرایط را برای دانش‌آموزان خود کاملاً شرح دهد و انتظارات خود را مطرح کند. با این کار، معلم از دل‌زدگی ناشی از درک نشدن از طرف دانش‌آموزان و یا سایر اطرافیان‌ش نیز پیشگیری می‌کند.

باید اذعان داشت که توجه نکردن به این نکته و موارد مشابه آن، ممکن است اثرات مخربی داشته باشد و ارزش‌هایی را به ضد ارزش تبدیل کند. برای نمونه، دوست داشتن خود از طریق شناخت خود، به عزت نفس می‌انجامد و نیاز انسان را از جلب‌توجه دیگران به هر طریق، می‌کاهد. این نکته‌ی مهمی است که به‌ویژه در مورد دانش‌آموزان و در سنین پایین، از اهمیت بالایی برخوردار است. حال اگر معلمی بدون توجه به این نکته و بنابر برخی عادت‌های نامطلوب، از این رفتار استقبال کند که دانش‌آموزان وی را دوست داشته باشند، بدون آن‌که به خودشان توجه کنند، در این شرایط است که علاوه بر نتایج نامطلوب تربیتی در مورد دانش‌آموزان، شرایط نامناسبی نیز برای او و سایرین پدید می‌آید.

سایر اجزای مربوط به خودآگاهی

اما نکته‌ی مهم دیگر در این مقوله، شناخت حقوق و مسئولیت‌های فرد است که معمولاً در اثر شناخت خود ایجاد می‌شود. نکته‌ی حائز اهمیت در این‌جا، تأکید بر شناخت حقوق افراد است. به این معنی که ممکن است بسیاری از افراد، بنابر دلایل دینی و به‌خاطر ارزشمندی مفاهیمی چون ایثار و از خودگذشتگی، از حقوق خود می‌گذرند. این امر زمانی ارزشمند و تأثیرگذار است که فرد پیش از آن، به حقوق خود آشنا باشد. در غیر این صورت، این کار برای سایرین مفهوم از خودگذشتگی را نخواهد داشت.

برای مثال، معلمی را در نظر بگیرید که بنابر عادت‌های ارزشمند کاری خود، پیامبرگونه، حتی به هنگام بیماری و ناراحتی، در فکر دانش‌آموزانش است و خود را به کلاس درس می‌رساند. این ارزش زمانی جایگاه اصلی خود را برای معلم و نیز دانش‌آموزان وی خواهد داشت که معلم و دانش‌آموزان بدانند که غیبت معلم در چنین حالتی حق اوست. بنابراین، لازم است که از خودگذشتگی